



Scope of Obligation of the Host State for Protection of Foreign Investor in Armed Conflicts

Abolghasem Shahbazian 

Ph.D. Student, International Law,
Central Tehran Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran

Sadegh Salimi* 

Associate Professor, Department of
International Law, Central Tehran
Branch Faculty of Law, Islamic Azad
University, Tehran, Iran

Abstract

Measures taken by governments during armed conflict to safeguard their essential interests sometimes cause damages to foreign investors. The investors thus affected seek remedies in the arbitration tribunals invoking breach of host government obligations to protect investments. The host government also usually attempts to assert as defense non-precluded measures to prove its irresponsibility, or if it proves responsible, justify it by resorting to circumstances precluding wrongfulness in the customary international law. But since different courts do not consider the same requirements to invoke these rules, there is no certainty that the parties to the lawsuit will be able to invoke them and, as a result, the scope of government's obligations to protect the foreign investor during the armed conflict is obscure. To clarify the scope of the host government's obligations to protect the foreign investor during armed conflicts and balance the interests of the investor and the host government during the investment disputes arising from the armed conflict, this article explores the possibility and requirements of invoking circumstances precluding wrongfulness and non-precluded measures and the relationship between them.


Keywords: Non-Precluded Measures, Customary International Law, Foreign Investment, Armed Conflicts, Interests of the Host State.

* Corresponding Author: sadegsalimi@yahoo.com

How to Cite: Shabazian, A., Salimi, S, "Scope of Obligation of the Host State for Protection of Foreign Investor in Armed Conflicts", The Quarterly Journal of Public Law Research, 23(74), (2022), 9-38. DOI: 10.22054/QJPL.2020.48167.2284.


تعیین قلمرو تعهد دولت میزبان به حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در زمان مخاصمات مسلحانه

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران،

ابوالقاسم شهبازی 

ایران

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

صادق سلیمی *

چکیده

اقداماتی که دولت‌ها در زمان مخاصمات مسلحانه در جهت حفظ منافع اساسی خود انجام می‌دهند گاه موجب ورود خسارت به سرمایه‌گذاران خارجی می‌گردد. سرمایه‌گذاران آسیب‌دیده در محاکم داوری با استناد به نقض تعهدات حمایتی توسط دولت میزبان، خسارات وارده به خود را طلب می‌نمایند. دولت میزبان نیز معمولاً برای اثبات عدم مسئولیت خود به شرط اقدامات منع نشده مندرج در معاهده سرمایه‌گذاری استناد می‌کند و یا در صورت اثبات مسئولیت، به منظور توجیه آن به معاذیر رافع وصف متخلفانه در حقوق بین‌الملل عرفی متوسل می‌شود. اما از آنجا که محاکم مختلف، شرایط یکسانی را جهت استناد کشور میزبان به شرط اقدامات منع نشده و معاذیر رافع وصف متخلفانه در نظر نمی‌گیرند، قطعیتی در امکان استناد به آنها وجود ندارد. در نتیجه، قلمرو تعهد دولت به حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در زمان مخاصمات مسلحانه در حاله‌ای از ابهام فرو رفته است. این مقاله با هدف روشن ساختن قلمرو تعهد دولت میزبان به حفاظت از سرمایه‌گذار خارجی در هنگام مخاصمات مسلحانه و به منظور توازن منافع سرمایه‌گذار و دولت میزبان در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از مخاصمات مسلحانه، امکان و الزامات استناد کشور میزبان به معاذیر عرفی رافع وصف متخلفانه و شرط اقدامات منع نشده و ارتباط میان آنها را مشخص می‌نماید.

واژگان کلیدی: اقدامات منع نشده، حقوق بین‌الملل عرفی، سرمایه‌گذاری خارجی، مخاصمات مسلحانه، منافع دولت میزبان.

مقدمه

بر اساس استانداردهای حمایتی مندرج در معاهدات سرمایه‌گذاری؛ کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری، متعهد به حفاظت از سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری وی در قلمرو خود می‌باشند. با توجه به طولانی‌مدت بودن پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی، بسیار اتفاق می‌افتد که دولت میزبان در طول مدت سرمایه‌گذاری با انواع مخاصمات مسلحانه از جمله جنگ داخلی و بین‌المللی، تروریسم، قیام، آشوب، شورش یا وضعیت‌های مشابه مواجه می‌شود. در این شرایط نیز تعهد به حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی همچنان پابرجاست اما دولت میزبان ناگزیر است اقداماتی را در جهت حفظ منافع اساسی خود نیز در زمان مخاصمات انجام دهد که لزوماً در راستای منافع سرمایه‌گذاران خارجی نیست و ممکن است حتی موجب ورود خسارت به آنها گردد. در این گونه موارد، سرمایه‌گذاران آسیب‌دیده با استفاده از سازوکار معاهداتی حل و فصل اختلاف، دولت میزبان را به داوری فراخوانده و با استناد به نقض استانداردهای حمایتی مندرج در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری بین دولت متبوع خود و دولت میزبان، ادعای جبران خسارات ناشی از مخاصمات مسلحانه به سرمایه‌گذاری خود را می‌نمایند.

با توجه به افزایش مخاصمات مسلحانه در دهه‌های اخیر، تعداد کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری که جهت رسیدگی به دعاوی ناشی از مخاصمات مسلحانه به داوری فراخوانده شده‌اند نیز افزایش یافته است. در این گونه دعاوی، دیوان‌های داوری غالباً حفظ منافع سرمایه‌گذار را ارجحیت داده و با بی‌توجهی به وضعیت اضطراری موجود در قلمرو دولت میزبان، حکم به پرداخت غرامات سنگین به سرمایه‌گذار خارجی داده‌اند؛ به نحوی که در بعض موارد، غرامت پرداختی از عواید سرمایه‌گذاری برای کشور میزبان بیشتر بوده و امنیت و سیاست‌های اقتصادی و محیط زیستی آنها را تحت تأثیر قرار داده است.^۱ در نتیجه، این روند موجب اختلال در اجرای سیاست‌ها و قانون‌گذاری‌های لازم دولت میزبان جهت حفظ منافع اساسی خود در زمان مخاصمات مسلحانه شده است.

دولت‌های میزبان سرمایه‌گذاری نیز در پاسخ به این وضعیت، جهت اثبات عدم مسئولیت خود در دیوان‌های داوری، طبق معاهده سرمایه‌گذاری به شرط اقدامات منع

۱. سید باقر میرعباسی و حمیدرضا سیاوش‌پور، «حمایت دیپلماتیک در چارچوب معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۴، (۱۳۹۸)، ص ۱۱۱۱.

نشده استناد می‌نمایند و یا در صورت اثبات مسئولیت، جهت توجیه آن به معاذیر رافع وصف متخلفانه در حقوق بین‌الملل عرفی متوسل می‌شوند. نقطه آغازین مشکل آنجاست که دیوان‌های داوری، شرایط مختلفی را برای استناد کشور میزبان به شرط اقدامات منع نشده و معاذیر عرفی رافع وصف متخلفانه در نظر گرفته‌اند و همچنین رابطه شرط اقدامات منع نشده و معاذیر عرفی را روشن نساخته‌اند. بنابراین دیوان‌های داوری در خصوص امکان استناد به این قواعد در دعاوی ناشی از مخاصمات مسلحانه متفق‌القول نیستند و به تبع آن رویه یکسانی در محاکم در خصوص قلمرو تعهد دولت میزبان به حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه وجود ندارد. این امر به نوبه خود موجب عدم توازن میان منافع سرمایه‌گذار و دولت میزبان در دعاوی سرمایه‌گذاری شده است. با توجه به ابهامات موجود در روند این قسم از داوری‌ها، از یک طرف سرمایه‌گذاری که قصد دارد در مناطق مستعد ناآرامی سرمایه‌گذاری نماید، چشم‌اندازی از میزان حمایت دریافتی از دولت میزبان نخواهد داشت و از طرف دیگر، دولت میزبان که قصد دارد اقداماتی را جهت حفظ منافع اساسی خود در زمان مخاصمات مسلحانه انجام دهد از مسئولیت‌های آتی خود در برابر سرمایه‌گذار خارجی مطلع نخواهد بود.

این مقاله با هدف روشن ساختن قلمرو تعهد دولت میزبان به حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در زمان مخاصمات مسلحانه و در نتیجه توازن میان منافع سرمایه‌گذار و دولت میزبان در این گونه دعاوی، در گفتار اول به بررسی معاذیر عرفی رافع وصف متخلفانه در حقوق بین‌الملل عام می‌پردازد و سپس در گفتار دوم، ویژگی‌ها و الزامات استناد کشور میزبان به شرط اقدامات منع نشده در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از مخاصمات مسلحانه را مورد بحث قرار می‌دهد و در گفتار سوم، ارتباط میان معاذیر عرفی و شرط اقدامات منع نشده را روشن می‌نماید.

۱. معاذیر رافع وصف متخلفانه اقدامات دولت میزبان سرمایه‌گذاری

معاذیر رافع وصف متخلفانه، اشاره به مواردی دارد که می‌توانند عمل متخلفانه‌ای که موجب نقض یک تعهد بین‌المللی شده است را توجیه نمایند. معاذیری که رافع وصف متخلفانه یک فعل یا ترک فعل و در نهایت مسئولیت بین‌المللی می‌گردند دارای یک ویژگی مشترک هستند که وجود هر کدام از آنها به طور موقت مانع اجرای یک تعهد

معتبر بین‌المللی می‌گردد.^۱ ذیلاً به بررسی دو مورد فورس ماژور و ضرورت که از معاذیر رافع وصف متخلفانه هستند پرداخته می‌شود.

۱-۱. فورس ماژور

فورس ماژور^۲ بر اساس ماده ۲۳ طرح مسئولیت دولت‌ها، بعنوان عذری برای عدم اجرای تعهدات بین‌المللی در حقوق بین‌الملل عام مورد شناسایی قرار گرفته و همچنین بعنوان دفاعی برای عدم اجرای تعهدات قراردادی در بسیاری از نظام‌های حقوقی شناخته شده است.^۳ بر اساس بند ۱ ماده ۲۳ طرح مسئولیت دولت‌ها، فورس ماژور عبارت است از: «وقوع یک رویداد غیرقابل احتراز یا غیرقابل پیش‌بینی که خارج از کنترل دولت است و انجام تعهدات را اساساً غیرممکن می‌سازد.»

زمانی که دولت در شرایطی قرار می‌گیرد که ناگزیر است بر خلاف تعهداتی که به آن پایبند است عمل کند، به منظور زایل شدن وصف متخلفانه آن می‌تواند به فورس ماژور استناد نماید.^۴ برای استناد به فورس ماژور، شروط ذیل باید موجود باشند:

الف- وضعیت فورس ماژور باید "غیرقابل مقاومت"^۵ یا "غیرقابل پیش‌بینی"^۶ باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر طرح مسئولیت دولت‌ها در خصوص "غیرقابل مقاومت بودن" بیان داشته است که در وضعیت فورس ماژور باید محدودیت‌هایی وجود داشته باشد که دولت با استفاده از ابزارهای خود قادر به مانع شدن و جلوگیری از آن نباشد. از سوی دیگر، شرط جایگزین آن یعنی "قابلیت پیش‌بینی" به این معناست که

۱. لایلا رئیس و همکاران، «معاذیر رافع وصف متخلفانه اعمال متخلفانه سازمان‌های بین‌المللی در پرتو طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۳۰، (۱۳۹۵)، ص ۱۴۶.

2. Force Majeure.

3. Muthucumaraswamy Sornarajah, *The International Law on Foreign Investment* (United Kingdom: Cambridge University Press, 2010) at 465.

4. James Crawford et al., *Foreign Investment Disputes* (Netherlands: Kluwer Law International, 2005) at 1172.

5. Irresistibility.

6. Unforeseeable.

وضعیت فورس ماژور نباید از قبل پیش‌بینی شده و یا قابل پیش‌بینی بوده باشد^۱ یعنی کافی است که وضعیت فورس ماژور، غیرقابل پیش‌بینی باشد و یا قابل پیش‌بینی باشد اما قابل مقاومت نباشد.^۲

ب- وضعیت فورس ماژور باید فراتر از کنترل دولت باشد. البته به آن معنا نیست که این رویداد باید از خارج به دولت تحمیل شده باشد. همان‌گونه که در بررسی جامع دبیرخانه سازمان ملل عنوان شده است، فورس ماژور حتی در مواردی که عمل یا ترک فعل خود دولت منجر به این رویداد شده، مادام که نتیجه رفتار عامدانه دولت نباشد، قابل اعمال است.^۳

پ- وضعیت فورس ماژور نباید به سبب رفتار دولتی ایجاد شده باشد که در مقام دفاع به آن استناد می‌نماید. شرط "عدم سببیت"^۴ در بررسی نهایی طرح مسئولیت دولت‌ها مورد بحث قرار گرفته است. به گفته گزارشگر ویژه، کراوفورد^۵، شرط "عدم مشارکت در وضعیت فورس ماژور" که ابتدا در پیش‌نویس ماده ۲۳ طرح مسئولیت دولت‌ها بیان شده بود بسیار مضیق بوده است. اگر شرط "عدم مشارکت"^۶ جایگزین عبارت "عدم سببیت" نمی‌شد، در صورتی که دولت به طور غیرعامدانه با انجام فعل یا ترک فعلی که به خودی خود نقض یک تعهد بین‌المللی نبوده اما به نحو مناسب‌تری هم قابل انجام بوده، در بوجود آمدن وضعیت فورس ماژور مشارکت می‌نمود، دیگر نمی‌توانست در مقام دفاع از خود به فورس ماژور استناد نماید.^۷ این امر مخصوصاً در مواردی که مخاصمات مسلحانه بخصوص شورش‌های داخلی منجر به فورس ماژور می‌شود، می‌توانست پیامدهای زیادی

1. International Law Commission, Commentary to Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Yearbook of the International Law Commission, Vol. 2, (2001), Art. 23.

2. United Nations Secretariat, "Force majeure and Fortuitous Event as Circumstances Precluding Wrongfulness: Survey of State Practice, International Judicial Decisions and Doctrine", Yearbook of the International Law Commission, Vol. II, UN Doc A/CN.4/315, (1968), p 70.

3. Ibid. p 69.

4. Due to.

5. Crawford.

6. Contribution.

7. Second Report on State Responsibility by Mr. James Crawford Special Rapporteur, Yearbook of the International Law Commission, Vol. 2(1), UN Doc A/CN.4/498/Add.1-4, (1999), p. 66.

به دنبال داشته باشد، زیرا در این صورت امکان داشت که دیوان‌های داوری هر اقدام دولت را که مورد پسند عامه مردم نباشد، بعنوان مشارکت در ایجاد شورش و فورس ماژور تلقی نمایند. برای مثال در پرونده "اتویستا علیه ونزوئلا"، دولت مطابق قرارداد سرمایه‌گذاری اقداماتی را انجام داده بود که موجب ناآرامی‌های داخلی و شورش توسط مردم شده بود. متعاقب این رویدادها، دولت برای کنترل جو داخلی برخلاف شرایط موافقت‌نامه واگذاری امتیاز^۱، مانع از افزایش عوارض جاده‌ای توسط سرمایه‌گذار گردید و در دیوان داوری در مقام دفاع از خود به فورس ماژور استناد نمود. دیوان با در نظر گرفتن شرط عدم مشارکت برای استناد به فورس ماژور، بیان داشت که وضعیت فوق قابل پیش‌بینی بوده و اگرچه دولت ونزوئلا مسئول بوجود آمدن اعتراضات نبوده است اما در آن نقش داشته است. دیوان تأکید نمود که اگر اقدامات دولت در وقوع اعتراضات نقش داشته باشد و یا آن را جدی‌تر نماید دیگر نمی‌تواند به فورس ماژور استناد نماید و نهایتاً استناد ونزوئلا به فورس ماژور را رد نمود.^۲ در نتیجه برای رفع این‌گونه مسائل، عبارت "مشارکت" در طرح مسئولیت دولت‌ها به "سببیت" تغییر پیدا کرد و موجب آن شد که اگر دولت در ایجاد وضعیت فورس ماژور نقش اساسی نداشته اما به طور غیرعامدانه در ایجاد وضعیت فورس ماژور مشارکت داشته باشد، بتواند در مقام دفاع از خود به این اصل استناد نماید.^۳

ت- در وضعیت فورس ماژور، ایفای تعهد غیرممکن باشد.^۴ غیرقابل اجرا بودن تعهدات بر اثر فورس ماژور ممکن است ناشی از واقعه فیزیکی یا طبیعی یا دخالت انسانی مثل از دست دادن کنترل بر بخشی از قلمروی دولت به دلیل شورش یا تخریب در یک ناحیه یا عملیات نظامی توسط دولت ثالث باشد.^۵ قابل ذکر است در شرایطی که انجام تعهدات

1. Concession Agreement.

2. Autopista Concesionada de Venezuela, C.A. v. Bolivarian Republic of Venezuela, ICSID Case No. ARB/00/5, Award, (2003), Para. 106-128.

3. International Law Commission, Yearbook of the International Law Commission, Vol. 1, UN Doc A/CN.4/SER.A/1999, (1999), p. 282.

۴. رودلف دالزر و کریستف شروتر، اصول حقوق بین‌الملل و سرمایه‌گذاری، ترجمه سیدقاسم زمانی و به آذین حسینی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵) ص ۲۷۷.

۵. پوریا عسکری، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داوری بین‌المللی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴) ص ۱۵۱.

برای دولت صرفاً دشوارتر یا سنگین‌تر شده باشد نمی‌تواند به فورس ماژور استناد نماید؛ لازمه استناد به فورس ماژور آن است که عمل به تعهد اساساً امکان‌پذیر نباشد.

بر اساس بند ۲ ماده ۲۳ طرح مسئولیت دولت‌ها، در صورتی که عامل ایجاد فورس ماژور رفع شده باشد و یا دولت خطر آن را پذیرفته باشد، استثنای فورس ماژور چه به تنهایی و چه در کنار عوامل دیگر قابل استناد نیست.

دولت در نظر اول برای خساراتی که در اثر شورش، جنگ داخلی یا بین‌المللی توسط اشخاص ثالث بوجود می‌آید دارای مسئولیت نیست؛ زیرا ورود خسارت منتسب به دولت یا نمایندگان دولت نیست، لذا یک مسئولیت طبیعی برای دولت وجود ندارد. با وجود این، تعهد دولت میزبان به انجام اقدامات مقتضی جهت حفاظت از سرمایه‌گذار همچنان پابرجاست و در صورت عدم انجام این تعهد نمی‌تواند به فورس ماژور استناد نماید. این اصل در رویه دیوان داوری ایران و آمریکا و همچنین در دیوان‌های داوری مختلف که به دلیل ماهیت غیرقابل پیش‌بینی بودن حمله شورشیان، حکم به معافیت از مسئولیت دولت میزبان بابت خسارت وارده به خارجیان داده‌اند نیز پذیرفته شده است. دیوان داوری ایران و آمریکا در پرونده "گلد مارکتینگ" در این خصوص بیان داشت: «منظور از فورس ماژور، نیرویی فراتر از آن است که دولت با انجام اقدامات مقتضی بتواند آن را کنترل نماید. بنابراین اقداماتی که دولت در مواجهه با چنین وضعیتی انجام می‌دهد اگر منجر به خسارت گردد، مسئولیت آن منتسب به دولت نخواهد بود»^۱.

در واقع کشورها در صورتی مسئولیت خواهند داشت که در انجام اقدامات مقتضی برای حفاظت از اموال بیگانگان قصور ورزیده باشند. دیوان‌های داوری در ارزیابی اقدامات مقتضی صورت گرفته توسط دولت میزبان برای حفاظت از سرمایه‌گذار خارجی باید فارغ از شرایط خاص موجود در هر پرونده، به نوع و شدت مخاصمه، میزان کنترل دولت بر قلمرو خود، منابع در اختیار دولت و قابل پیش‌بینی بودن خسارات توجه نمایند. دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری باید در نظر داشته باشند که به طور طبیعی توقف سود، تضعیف کسب‌وکار و آشفته‌گی‌های اقتصادی، از نتایج مخاصمات مسلحانه است که هم

1. Gould Marketing, Inc., As Successor to Hoffman Export Corporation v. Ministry of Defense of the Islamic Republic of Iran, Iran-United States Claims Tribunal, Case No. 50, (1983), para 24.

به اتباع دولت میزبان و هم به بیگانگان گسترش می‌یابد و به نظامیان و غیرنظامیان هر دو آسیب می‌رساند.

در برخی از دعاوی سرمایه‌گذاری، وجود شرایط استناد به فورس ماژور نقش مهمی ایفا کرده است و طرفین اختلاف سرمایه‌گذاری بعنوان عذری برای عدم ایفای تعهدات خود به شرایط خشونت و مخاصمات مسلحانه استناد نموده‌اند. چند نمونه از استناد به فورس ماژور در پرونده‌های سرمایه‌گذاری در زیر ذکر می‌شود.

در پرونده «توتو علیه لبنان»، خواهان از تأخیر طولانی رسیدگی دادگاه داخلی شکایت کرد اما دیوان خاطر نشان نمود که در دوره مذکور بمب‌گذاری‌های تروریستی، ترور، جنگ با اسرائیل و دو مورد جنگ داخلی شدید که از مصادیق فورس ماژور هستند در لبنان در جریان بوده است.^۱

در پرونده «آر.اس.ام علیه جمهوری آفریقای مرکزی»، در مورد قصور در اجرای برخی جنبه‌های قرارداد به فورس ماژور استناد شد که مبنای آن، معضلات سیاسی و داخلی موجود بود که منجر به کودتا و وضعیت امنیتی در کشور شده بود. قرارداد، فورس ماژور را بعنوان رویداد غیرقابل پیش‌بینی، غیرقابل مقاومت و فراتر از کنترل از جمله زلزله، اعتصاب، یاغیگری، شورش، آشوب داخلی، خرابکاری عمدی، جنگ یا شرایط مشابه جنگ تعریف نموده بود. دیوان شروط غیرقابل پیش‌بینی بودن، غیرقابل مقاومت بودن و عدم انتساب را مورد بررسی قرار داد.^۲ بر این اساس دیوان دریافت که وضعیت امنیتی در این کشور به درستی منجر به فورس ماژور شده است.^۳

در پرونده «شرکت لایت هاوس علیه یونان» که توسط یک شرکت فرانسوی علیه یونان مطرح گردید، یک برج فانوس دریایی متعلق به سرمایه‌گذار توسط یونان مصادره و سپس توسط دشمن تخریب شد. در نتیجه سرمایه‌گذار ادعای جبران خسارت کرد ولی دیوان ادعای او را با استناد به فورس ماژور رد نمود.^۴

1. Toto Costruzioni Generali S.p.A. v. The Republic of Lebanon, ICSID Case No. ARB/07/12, Award, (2012), para. 165-168.

2. RSM Production Corporation v. Central African Republic, ICSID Case No. ARB/07/2, Award, (2011), para. 147-148.

3. Ibid. para. 185.

4. Lighthouses Case between France and Greece, Permanent Court of Justice (PCIJ), Ser. A/B, No. 62, Judgment, (1934), para 220.

دیوان داوری ایران و آمریکا نیز رویه تعلیق موقت مسئولیت‌های دولت بر اثر فورس ماژور در زمان مخاصمات مسلحانه را مورد پذیرش قرار داده است. برای مثال در پرونده "شرکت سیستم‌های فنی سیلوانیا"، دیوان بیان داشت که وقوع انقلاب در ایران در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ منجر به اختلال در فعالیت‌های بانکی و وضعیت فورس ماژور شده است و در نتیجه، قصور خوانده در انجام تعهداتش در آن دوره با توسل به فورس ماژور قابل توجیه است.^۱

بنابراین از پرونده‌های مربوط به فورس ماژور می‌توان نتیجه گرفت که دولت میزبان در صورت انجام اقدامات مقتضی در هنگام فورس ماژور، تعهدی به جبران خسارت ندارد. تصاحب یا تخریب اموال در خلال مخاصمات یا در قلمرو اشغال شده به دلیل حالت اضطراری شدیدی که وجود دارد معذور و موجه است و به صورت موردی باید هریک را بررسی نمود.

۲-۱. ضرورت

حالت ضرورت، وضعیتی است که در آن تنها وسیله یک دولت برای حفظ منافع اساسی خود در برابر خطر شدید و حتمی، اتخاذ رفتاری مغایر با یک تعهد بین‌المللی نسبت به دولت دیگر است.^۲ ماده ۲۵ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در باب ضرورت^۳ را منعکس کرده و ضرورت را بعنوان یکی از معاذیر رافع وصف متخلفانه شناسایی نموده است. ضرورت نظامی به طرف‌های مخاصمه اجازه می‌دهد که در حد حقوق جنگ از هر نوع و میزان زور لازم برای تحمیل شکست و سلطه کامل بر دشمن با صرف کمترین هزینه از لحاظ مالی، جانی و زمانی استفاده کنند.^۴ ضرورت از فورس ماژور متمایز است زیرا در هنگام ضرورت، دولت به صورت عامدانه و آگاهانه

1. Sylvania Technical Systems, Inc. v. The Government of the Islamic Republic of Iran, Iran-United States Claims Tribunal, Case No. 64, (1985), para 45.

۲. نغمه ناصری لاریجانی، «تعامل میان حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی در توجیه عدم ایفای تعهدات بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و هفتم، شماره ۴۲، (۱۳۸۹)، ص ۲۴۷.

3. Necessity.

۴. سید قاسم زمانی و همکاران، «ضرورت نظامی بعنوان یک استثنا در حقوق درگیری‌های مسلحانه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۳، (۱۳۹۸)، ص ۷۱۸.

اقداماتی را به منظور مواجهه با وضعیتی که پیش آمده انجام می‌دهد.^۱ ضرورت تنها در شرایطی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد که الزامات ذیل رعایت شده باشد:

- منافع اساسی دولت مواجه با تهدید جدی و قریب‌الوقوع باشد؛
- تنها راه حفاظت دولت از منافع اساسی خود در آن شرایط، عمل نکردن به تعهدات خود باشد؛
- تعهدات بین‌المللی مورد نظر که مورد نقض واقع می‌شوند از فوریت یا اهمیت کمتری نسبت به منافع مورد نظر دولت میزبان برخوردار باشند؛
- منافع اساسی دیگر تضعیف نشوند؛^۲
- دولت میزبان سرمایه‌گذاری، خود نقشی در ایجاد یا تشدید آن وضعیت نداشته باشد؛
- اعمال اصل ضرورت با اصل تناسب همراه باشد؛ اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه بعنوان سازوکاری برای موازنه کردن الزامات نظامی و الزامات انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳ علاوه بر این، کشور میزبان باید ثابت کند بر اساس اصل تناسب، ضرر و زیان وارد شده به سرمایه‌گذار بر اثر تخریب و توقیف اموال وی بیشتر از منافع قطعی و مستقیم پیش‌بینی شده از حمله نبوده است. منظور از این منافع نظامی، منافع پیش‌بینی شده از حمله نظامی به طور کلی است و تنها نظر به قسمت خاصی از حمله ندارد؛
- تعهد بین‌المللی مورد نظر که نقض شده است، امکان استناد به ضرورت را مستثنی نکرده باشد. این امر بسیار مهم است زیرا معمولاً کنوانسیون‌های بشردوستانه قابل اعمال در زمان مخاصمات مسلحانه، صراحتاً قواعد خاصی را برای استناد به ضرورت ذکر نموده‌اند. تهیه‌کنندگان این کنوانسیون‌ها عنصر ضرورت نظامی را به طور کامل در نظر داشته‌اند و هر جا که به دلیل ضرورت نظامی باید قاعده‌ای کنار گذاشته شود به آن اشاره نموده‌اند.^۴ بعبارت دیگر امکان استناد به ضرورت نظامی به صورت صریح و روشن در

1. Muthucumaraswamy Sornarajah, op. cit. at 465.

2. Marco Sassoli, "State Responsibility for Violations of International Humanitarian Law", *Revue Internationale de la Croix-Rouge*, Vol. 84, No. 846, (2002), p. 415.

3. Myres McDougal & Florentino Feliciano, *Law and Minimum World Public Order: The Legal Regulation of International Coercion* (USA: Yale University Press, 1961) p. 522-523.

4. Frits Kalshoven & Liesbeth Zegveld, *Constraints on the Waging of War* (Geneva: International Committee of the Red Cross, 2011) at 32-33.

بعضی از حوزه‌ها ذکر شده است. این امر نشانگر آن است که هیچ استثناء، توجیه یا بهانه‌ای برای استناد به ضرورت نظامی در حوزه‌های دیگر در نظر گرفته نشده است.^۱

ضرورت در پرونده‌های مربوط به بحران آرژانتین که در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ شاهد هرج و مرج عمومی، شلیک‌های منجر به مرگ، تعطیلی حمل و نقل عمومی، شورش عمومی و مشکلات دیگر بوده، مورد استناد قرار گرفته است. دولت آرژانتین در پاسخ به بحران بوجود آمده به منظور جلوگیری از فروپاشی حاکمیت، قوانین بحث برانگیزی را تصویب نمود. اگرچه این اقدامات در بازگرداندن ثبات و نظم عمومی مؤثر بود اما بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی متحمل خسارات هنگفتی شدند و با توسل به معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری برای جبران خسارات خود علیه آرژانتین در دیوان‌های داوری طرح دعوا نمودند.^۲ در نتیجه در مدت کوتاهی آرژانتین در ۴۳ پرونده سرمایه‌گذاری طرف دعوا قرار گرفت. تنها در سال ۲۰۰۷، پنج محکمه داوری این دولت را مجموعاً به جبران خسارتی معادل ۶۱۵ میلیون دلار در حق سرمایه‌گذاران محکوم کردند.^۳ از جمله این پرونده‌ها می‌توان از «سی.ام.اس.»، «انرون»، «سمپرا» و «ال.جی.آند.ئی» نام برد. در اکثر این پرونده‌ها آرژانتین به دفاع عرفی ضرورت جهت توجیه نقض‌های معاهداتی خود استناد نمود که توسط دیوان‌های داوری به نحو مختلف و ناسازگار مورد تفسیر و اعمال قرار گرفت. ذیلاً به بررسی برخی از این پرونده‌ها پرداخته می‌شود:

1. Nobuo Hayashi, "Requirements of Military Necessity in International Humanitarian Law and International Criminal Law", Boston University International Law Journal, Vol. 28, No.1, (2010), p. 54.

2. William Burke-White, "The Argentine Financial Crisis: State Liability under BITs and the Legitimacy of the ICSID System", Asian Journal of WTO & International Health Law and Policy, Vol. 3, No. 1, (2008), p. 204.

۳. احمد مومنی‌راد و مجید قاسم‌زاده، «بحران اقتصادی جهانی، اقدامات اضطراری دولت‌ها در مواجهه با بحران و راهکارهای حل و فصل اختلافات بین‌المللی سرمایه‌گذاری ناشی از آن»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۱، (۱۳۹۴)، ص ۱۵۴.

4. CMS Gas Transmission Company v. The Republic of Argentina, ICSID Case No. ARB/01/8, Award, (2005), p. 139.

5. Enron Corporation and Ponderosa Assets, L.P. v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/01/3, Award, (2007), p. 169.

6. Sempra Energy International v. The Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/16, Award, (2007), p.139.

7. LG&E Energy Corp., LG&E Capital Corp., and LG&E International, Inc. v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/1, Award, (2007), para. 115.

در پرونده «ال.جی.آند.ئی علیه آرژانتین»، خواهان در سه شرکت توزیع گاز آرژانتینی دارای سهام بود.^۱ آرژانتین متعاقب بحران‌های بوجود آمده، یک سری قوانین اضطراری تصویب نمود که به او اجازه می‌داد معاهدات را معلق کرده و بعداً آنها را مورد مذاکره مجدد قرار دهد.^۲ با توجه به اینکه دولت آرژانتین موفق به برقراری مجدد حمایت‌های قانونی اعطا شده به سرمایه‌گذار نشد، سرمایه‌گذار جهت جبران خسارات وارده، درخواست داوری خود را در دسامبر ۲۰۰۱ به ایکسید تقدیم کرد. آرژانتین بعنوان دفاع برای عدم انجام تعهد خود به پرداخت ۲۵۰ میلیون دلار به اضافه عدم النفع و سایر هزینه‌ها، طبق حقوق بین‌الملل عرفی به ضرورت استناد نمود.^۳ دیوان نیز ضمن تایید ادعای آرژانتین بیان داشت که این کشور از دسامبر ۲۰۰۱ تا آوریل ۲۰۰۳ دچار بحران بوده و ضرورت داشته تا قوانینی را به منظور حفاظت از نظم عمومی و منافع امنیتی اساسی خود تصویب نماید.^۴ دیوان در این پرونده دو مسئله را مورد بررسی قرار داد. یکی اینکه آیا شرایط به حدی بحرانی بوده که بتواند استناد به ضرورت را توجیه نماید یا خیر و دوم اینکه آیا اقدامات دولت جهت حفاظت از منافع خود ضرورتی داشته یا خیر.^۵ در مورد مسئله اول دیوان دریافت که به دلیل وجود بحران شدید، وضعیت در آرژانتین به حدی بغرنج بوده که بتواند استناد به ضرورت را توجیه نماید.^۶ در مورد مسئله دوم، دیوان دریافت که شرایط در آرژانتین به گونه‌ای بوده که نیاز به اقدام فوری و قاطع دولت برای بازگرداندن نظم عمومی داشته است.^۷ سپس دیوان برای ارزیابی ضرورت طبق حقوق بین‌الملل عرفی به این مسئله پرداخت که آیا خود دولت در ایجاد و یا تشدید بحران نقشی داشته یا خیر؟^۸ دیوان بیان داشت که خواهان نتوانسته اثبات نماید دولت در ایجاد یا تشدید بحران نقشی داشته است و دولت تنها تلاش نموده تا آثار بحران را کاهش دهد.^۹

1. LG&E Energy Corp., LG&E Capital Corp., and LG&E International, Inc .v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/1, Decision on Liability, (2006), para. 2.

2. Ibid. para. 136.

3. Ibid. para. 202.

4. Ibid. para. 226.

5. Ibid. para. 205.

6. Ibid. para. 228-229.

7. Ibid. para. 238.

8. Ibid. para. 250-259.

9. Ibid. para. 256.

بنابراین دیوان پذیرفت که از اول دسامبر ۲۰۰۱ تا ۲۶ ژانویه ۲۰۰۳، آرژانتین با بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه بوده است و وضعیت به اندازه‌ای حاد بوده که اقدام دولت را با قاعده ضرورت توجیه نماید. در نتیجه، دیوان آرژانتین را در خصوص نقض معاهده سرمایه‌گذاری از مسئولیت معاف دانست.^۱

دیوان در پرونده «کانتینتال» نیز استدلال مشابهی را بکار برد و آرژانتین را از مسئولیت معاف دانست. دیوان بیان داشت که ماده ۲۵ طرح مسئولیت که بیانگر قاعده عرفی ضرورت است می‌تواند کشور میزبان را در صورت نقض تعهدات معاهداتی از مسئولیت معاف نماید. در این پرونده، آرژانتین یک قانون اضطراری تصویب نموده بود که حساب‌های بانکی را در سرتاسر کشور مسدود می‌کرد، در نتیجه سرمایه‌گذار نتوانسته بود به سرمایه‌گذاری خود در آرژانتین دسترسی داشته باشد و خسارات قابل توجهی به وی وارد شده بود.^۲ دیوان نهایتاً نتیجه گرفت که دولت با استناد به ضرورت، در این مورد از مسئولیت معاف است.^۳

در پرونده «سی.ام.اس علیه آرژانتین»، سرمایه‌گذار که دارای ۲۵ درصد سهام در شرکت ملی انتقال گاز بود ادعا نمود بر اثر اقداماتی که آرژانتین برای مقابله با بحران انجام داده، سرمایه‌گذاری وی دچار آسیب شده است.^۴ آرژانتین به دفاع عرفی ضرورت استناد نمود اما دیوان بیان داشت که ضرورت، آرژانتین را از مسئولیت معاف نمی‌نماید. دیوان تأیید کرد که بحران موجود در آرژانتین دشوار بوده و مستلزم انجام اقداماتی توسط دولت بوده تا از بدتر شدن اوضاع یا فروپاشی کامل اقتصادی جلوگیری کند^۵، اما تصویب قوانینی که موجب آسیب به سرمایه‌گذار شده، تنها راه آرژانتین برای حفاظت از منافع خود نبوده است. دیوان همچنین به تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل اشاره نمود که بیان می‌داشت در صورتی که ابزارهای قانونی دیگری برای دولت موجود باشد، نمی‌تواند اقدام خود را با استناد به ضرورت توجیه نماید هرچند این راه‌ها هزینه بیشتری داشته و

1. Ibid. para. 267.

2. Continental Casualty Company v. The Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/03/9, Award, (2008), para. 19.

3. Ibid. para. 163-164.

4. CMS Gas Transmission Company v. The Republic of Argentina, op. cit. para. 58.

5. Ibid. para. 215-217.

اجرای آن‌ها دشوارتر باشد.^۱ بعلاوه، شرط دوم استناد به ضرورت آن است که خود دولت نقشی در ایجاد یا تشدید بحران نداشته باشد، در صورتی که دیوان نتیجه گرفت که آرژانتین خود نقش اساسی در این بحران داشته است. دیوان بیان داشت که بحران آرژانتین بر اساس تحولات اخیر نبوده بلکه از اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز شده و با مشکلات ناشی از تصویب قوانین اضطراری توسط دولت تشدید شده است. در نتیجه دولت به طور جدی در ایجاد بحران و وضعیت ضرورت نقش داشته است.^۲

۲. شرط اقدامات منع نشده

اگرچه قواعد عام حقوق بین‌الملل که ناظر بر شرایط اضطراری است بر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری هم حاکمیت دارد اما کشورها تصمیم گرفته‌اند که تنها بر آن تکیه نکنند و برای تضمین آنکه تعهدات آنها در قبال سرمایه‌گذار خارجی در معاهدات سرمایه‌گذاری، مانع از اجرای سیاست‌های عمومی از جمله حفظ نظم عمومی و امنیت ملی در زمان مخاصمات نشود مقررات خاصی در مورد شرایط اضطراری در معاهدات سرمایه‌گذاری گنجانده‌اند تا میان توسعه اقتصادی و حفظ امنیت ملی از یک سو و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از سوی دیگر تعادل برقرار کنند.^۳ این مقررات می‌توانند به طور کلی به عنوان «اقدامات منع نشده»^۴ دسته‌بندی شوند.

مواد مربوط به اقدامات منع نشده که امروزه معمولاً در متن معاهدات یا پروتکل‌های الحاقی آن‌ها دیده می‌شود، از قواعد اولیه حقوق بین‌الملل هستند^۵ که با مجاز دانستن انجام برخی اقدامات مغایر با معاهده توسط دولت میزبان، حمایتی که توسط معاهده برای سرمایه‌گذار فراهم شده را محدود می‌سازند.^۶

1. Ibid. para. 323-325.

2. Ibid. para. 329.

۳. عبدالحسین شیروی و علیرضا پوراسماعیلی، «امنیت ملی در حقوق سرمایه‌گذاری»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۳، (۱۳۹۲)، ص ۳۳.

4. Non-Precluded Measures (NPM).

5. Anastasios Gourgourinis, "General/Particular International Law and Primary/Secondary Rules: Unitary Terminology of a Fragmented System", *European Journal of International Law*, Vol. 22, Issue 4, (2011), p.996.

6. William Burke-White & Andreas Von Staden, "Investment Protection in Extraordinary Times: The Interpretation and Application of Non-Precluded

این اقدامات زمانی مجاز هستند که برای حفاظت از منافع امنیتی، نظم عمومی، اخلاق عمومی، سلامت عمومی یا بهداشت عمومی ضروری باشند.^۱ اما خود این اهداف به ندرت در معاهدات تعریف شده‌اند و معانی مختلفی در نظام حقوقی داخلی کشورها دارند. طرفین معاهده به طور هدفمند این اهداف را در معاهده تعریف نمی‌نمایند تا در زمان مواجهه با شرایطی که امنیت اساسی یا نظم عمومی آن‌ها در معرض تهدید است، در تعیین مصادیق این شرط بتوانند به صورت موردی و منعطف عمل نمایند.^۲ برای مثال استثنای نظم عمومی که از ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) الگو برداری شده، بدین صورت در ماده ۱۳ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان جمهوری اسلامی ایران و ژاپن در سال ۲۰۱۶ بیان شده است:

«هیچ یک از مفاد این موافقت‌نامه نباید به گونه‌ای تفسیر شود که موجب جلوگیری از انجام یا اتخاذ اقدامات ضروری برای حمایت از اخلاق عمومی یا حفظ نظم عمومی شود، مشروط به اینکه استثنائات مربوط به نظم عمومی، زمانی مورد استناد قرار گیرد که خطری واقعی و به اندازه کافی جدی متوجه یکی از منافع حیاتی جامعه باشد».^۳

در واقع تا حدی که اقداماتی برای حفظ نظم عمومی در زمان ناآرامی، حمله مسلحانه یا جنگ ضروری باشد، این اقدامات موجب نقض معاهده سرمایه‌گذاری که دارای چنین شرطی است نخواهد شد.

ماده مربوط به امنیت ملی نیز از ماده ۲۱ گات الگو برداری شده و به طور خاص برای رسیدگی به شرایط اضطراری فوق‌العاده طراحی شده است. یک نمونه از شرط امنیت ملی در ماده ۲۴ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان برزیل و هند در سال ۲۰۲۰ به شرح زیر است:

Measures Provisions in Bilateral Investment Treaties”, Virginia Journal of International Law, Vol. 48, No. 2, (2008), p. 311.

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD), Report on Security-Related Terms in International Investment Law and in National Security Strategies, (2009), p. 6.

2. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD), Bilateral Investment Treaties 1995–2006: Trends in Investment Rulemaking (Switzerland: United Nation Publication, 2007) at 83.

3. Islamic Republic of Iran-Japan, Bilateral Investment Treaty, (2016), Art. 13.

«هیچ چیز در این معاهده نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مانع از انجام اقداماتی باشد که یکی از طرفین برای حفاظت از منافع امنیتی حیاتی خود ضروری می‌داند، این اقدامات شامل موارد زیر می‌شود اما محدود به آنها نیست:

- اقداماتی که در زمان جنگ یا شرایط اضطراری دیگر در روابط داخلی یا بین‌المللی انجام می‌شود؛

- اقدامات مربوط به قاچاق اسلحه، مهمات و تجهیزات جنگی و قاچاق کالاها و مواد دیگری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با هدف ساخت تأسیسات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند»^۱.

اقدامی که بر اساس ماده «امنیت ملی» موجه باشد همان گونه که در مورد ماده مربوط به نظم عمومی ذکر شد، موجب نقض تعهدات مذکور در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری نخواهد شد.

یکی دیگر از نمونه‌های جالب شروط معاهداتی در این زمینه را می‌توان در ماده ۴.۶ معاهده حمایت از سرمایه‌گذاری میان اتحادیه اروپا و ویتنام در سال ۲۰۱۹ یافت که شرط امنیت ملی و نظم عمومی را ترکیب کرده است:

«هیچ چیز در مواد مربوط به رفتار ملی و دولت کامله‌الوداد نباید به گونه‌ای تفسیر شود که طرفین را از اقدامات لازم برای حفظ امنیت عمومی، اخلاق عمومی، نظم عمومی و یا حفاظت از گنجینه‌های ملی که ارزش هنری، تاریخی یا باستانی دارند منع نماید»^۲.

مواد مربوط به اقدامات منع نشده در موافقت‌نامه‌های چندجانبه مختلف نیز دیده می‌شود. برای مثال، ماده ۲ پیش‌نویس موافقت‌نامه چندجانبه سرمایه‌گذاری^۳ که در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۴ مورد مذاکره قرار گرفت، اشاره به حفاظت از منافع امنیتی در زمان جنگ، مخاصمات مسلحانه یا موارد اضطراری دیگر دارد:

1. Brazil-India, Bilateral Investment Treaty, (2020), Art. 24.

2. European Union and its Member States-Socialist Republic of Vietnam, Investment Protection Agreement, (2019), Art. 4.6.

3. Draft Multilateral Agreement on Investment (MAI).

4. Economic Cooperation and Development (OECD).

«هیچ چیز در این معاهده نباید به گونه‌ای تفسیر شود که هریک از طرفین متعاهد را در زمان جنگ، مخاصمات مسلحانه یا دیگر شرایط اضطراری در روابط بین‌الملل از انجام اقداماتی که برای حفظ منافع امنیتی اساسی خود لازم می‌داند منع نماید».^۱

همچنین موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)، در مورد دوم قسمت (ب) از بند ۱ ماده ۲۱۰۲ بیان می‌دارد:

«هیچ چیز نمی‌تواند مانع از اقداماتی بشود که طرفین، انجام آن را برای حفظ منافع امنیتی اساسی خود در زمان جنگ یا دیگر شرایط اضطراری در روابط بین‌الملل ضروری می‌دانند و همچنین هیچ چیز نمی‌تواند مانع از انجام تعهدات مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی طبق منشور ملل متحد شود».^۲

عبارت «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» در ماده ۲۱۰۲ نفتا انعکاس‌دهنده ماده ۳۹ منشور ملل متحد است. بنابراین، اقدام در راستای قطعنامه‌های شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور نیز می‌تواند تحت پوشش این استثنا باشد.

نکته مهم دیگر آنکه اضافه نمودن قیودی مانند «دولت ضروری یا لازم بداند» در این مواد، به این معنی است که به دولت میزبان سرمایه‌گذاری اختیار گسترده‌ای داده شده که تعیین نماید آیا این اقدام برای حفظ ثبات در شرایط اضطراری ضروری است یا خیر.^۳ به بیان دیگر، قضاوت در مورد لزوم انجام اقدامات به خود دولت واگذار شده است.^۴

معاهده منشور انرژی نیز شامل یک بند امنیتی قوی‌تر است که به صراحت به جنگ مسلحانه اشاره دارد. بند ۳ ماده ۲۴ بیان می‌دارد:

«مقررات این معاهده نباید به گونه‌ای تفسیر شود که یکی از طرفین معاهده را از یکی از اقدامات ضروری ذیل منع نماید:

الف - حفاظت از منافع امنیتی ضروری از جمله:

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD), Negotiating Group on the Multilateral Agreement on Investment, DAFIE/MAI (98)7/REV1, (1998), Art. 2.
2. North American Free Trade Agreement (NAFTA), (1994), Art 2102(1) (b).
3. Alan Sykes, "Economic Necessity in International Law", American Journal of International Law, Volume 109, Issue 2, (2015), p. 303.
4. Katia Yannaca-Small, "Essential Security Interests under International Investment Law, in International Investment Perspectives: Freedom of Investment in a Changing World", Organization for Economic Co-operation and Development, (2007), p. 97.

* منافع مربوط به عرضه مواد و محصولات مربوط به انرژی توسط یک سازمان نظامی؛
* منافع تصاحب شده زمان جنگ، مخاصمات مسلحانه یا دیگر موارد اضطراری در روابط بین‌الملل.

ب- اقدامات مربوط به اجرای سیاست‌های ملی در رابطه با عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و یا سایر دستگاه‌های انفجاری هسته‌ای یا اقدامات مورد نیاز برای اجرای تعهدات خود به موجب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، دستورالعمل‌های تأمین‌کنندگان مواد هسته‌ای و سایر تعهدات مربوط به عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای.

پ- برای حفظ نظم عمومی^۱.

اشاره بند ۳ ماده ۲۴ به منافع امنیتی ضروری تصاحب شده در زمان جنگ، مخاصمات مسلحانه یا دیگر موارد اضطراری در روابط بین‌الملل، شکی باقی نمی‌گذارد که مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نیز تحت پوشش این استثنای امنیتی است. اما عبارت محدود کننده «در روابط بین‌الملل»، این پرسش را باقی می‌گذارد که آیا مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی نیز تحت پوشش این مقررات است یا خیر؟ پاسخ این پرسش به آن بستگی دارد که آیا محدود نمودن به «روابط بین‌الملل» فقط به «دیگر موارد اضطراری» بازمی‌گردد یا به کل موارد آن.

شروئر معتقد است که پیش‌شرط‌های استفاده از استثنایات معاهداتی در شرایط مخاصمات مسلحانه قطعاً محقق می‌شوند.^۲ با بررسی نمونه‌های فوق نیز می‌توان نتیجه گرفت که شرایط استناد به شرط اقدامات منع نشده، چه در ماده تصریح شده باشد یا خیر، در شرایط مخاصمات مسلحانه به راحتی وجود دارد. مقررات مذکور به طور مؤثر به کشور میزبان اجازه ایجاد اختلال در عملکرد سرمایه‌گذاری تحت پوشش معاهده را می‌دهند و کشور میزبان می‌تواند از کاهش آثار معاهده سرمایه‌گذاری بعنوان ابزاری برای تنظیم امور داخلی خود استفاده نماید.^۳

تا جایی که دولت میزبان اقدامات خود را به منظور نیل به یکی از اهداف مذکور در این مواد به انجام برساند، مرتکب نقض معاهده نشده و نتیجتاً متحمل مسئولیت آن

1. Energy Charter Treaty (ECT), (1994), Art. 24(3).

2. Christoph Schreuer, "The Protection of Investments in Armed Conflicts", *Transnational Dispute Management (TDM)* 3, (2012), p.15.

3. Kenneth Vandeveld, "Of Politics and Markets: The Shifting Ideology of the BITs", *International Tax and Business Lawyer*, Vol. 11, No. 2, (1993), p. 170.

نخواهد بود. در واقع مواد مربوط به اقدامات منع نشده، یک تخصیص ریسک را انجام می‌دهند و در شرایط استثنائی، جبران خسارت یک سرمایه‌گذاری آسیب‌دیده را از دولت میزبان به خود سرمایه‌گذار منتقل می‌نمایند.^۱ استفاده از یک استثنای امنیتی از این نوع، عواقب گسترده‌ای در پی دارد. به بیان کمیته موردی پرونده سی.ام.اس علیه آرژانتین: «تا زمانی که این استثناء اعمال می‌شود، مقررات اساسی معاهده اعمال نخواهد شد».^۲ در نتیجه در صورتی که استثنای امنیتی اعمال شود، سرمایه‌گذار از حمایت معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری از جمله استاندارد حفاظت و امنیت کامل محروم خواهد شد^۳ البته حمایت ارائه شده توسط حقوق بین‌الملل عرفی در جای خود باقی است.

در این خصوص، بررسی شرط اقدامات منع نشده در رویه داوری نیز مفید فایده خواهد بود. در پرونده‌های «سی.ام.اس، انرون، سمپرا و ال.جی.آندئی علیه آرژانتین»، هر چهار دیوان بر سر دو مسئله کلیدی اتفاق نظر داشتند: یکی آنکه شرط مربوط به منافع اساسی و نظم عمومی در معاهده میان آرژانتین و ایالات متحده آمریکا به اندازه‌ای موسع بیان شده است که آشوب‌های داخلی آرژانتین را در برمی‌گیرد و دوم آنکه طبق معاهده سرمایه‌گذاری مذکور، تشخیص زمان اعمال مقررات مربوط به اقدامات منع نشده به خود دولت واگذار نشده است. در نتیجه هر چهار دیوان بیان داشتند که هر اقدام اضطراری که توسط دولت صورت گرفته است باید توسط دیوان مورد بازبینی قرار گیرد. نهایتاً دیوان‌های داوری در پرونده‌های «سی.ام.اس، انرون و سمپرا» شرط اقدامات منع نشده مندرج در معاهده سرمایه‌گذاری میان ایالات متحده آمریکا و آرژانتین را غیر قابل اعمال تشخیص دادند و آرژانتین را به جهت نقض معاهده مسئول دانستند اما در پرونده «ال.جی.آندئی»، دیوان داوری اقداماتی که آرژانتین برای برقراری نظم عمومی در کشور انجام داده بود را موجه دانست و بیان داشت که آرژانتین از تعهدات خود در برابر سرمایه‌گذار خارجی طبق معاهده سرمایه‌گذاری معاف است.

در پایان این گفتار باید یادآور شد، در صورتی که دولت میزبان بتواند به شرط اقدامات منع نشده استناد نماید اصولاً نقض تعهدی متوجه او نیست؛ زیرا دولت میزبان

1. William Burke-White & Andreas Von Staden, op. cit. at 312-314.

2. CMS Gas Transmission Company v. The Republic of Argentina, ICSID Case No. ARB/01/8, Decision of the ad hoc Committee on the Application for Annulment of the Argentine Republic, (2007), para. 129.

3. Christoph Schreuer, op. cit. at 15.

طبق معاهده سرمایه‌گذاری از انجام اقداماتی که برای حفظ منافع اساسی او لازم باشد منع نشده است. اما در صورتی که اثبات شود دولت مرتکب نقض یک تعهد بین‌المللی شده است و نتواند به شرط اقدامات منع نشده استناد نماید، تنها راه باقی‌مانده آن است که دولت میزبان با توسل به معاذیر رافع مسئولیت موجود در حقوق بین‌الملل عرفی، خود را از مسئولیت معاف نماید.

۳. ارتباط میان شرط معاهداتی اقدامات منع نشده و دفاع عرفی ضرورت

«شرط اقدامات منع نشده» و «دفاع عرفی ضرورت» از لحاظ محتوای اصلی، منشأ حقوقی و قلمرو اعمال با یکدیگر تفاوت دارند:^۱

اول آنکه از لحاظ محتوای اصلی، تنها زمانی می‌توان طبق حقوق بین‌الملل عرفی به ضرورت استناد نمود که پس از وقوع آن رویداد باشد و بتوان گفت یکی از تعهدات اساسی معاهده نقض شده است. یعنی ابتدا نقض معاهده صورت می‌پذیرد و سپس با استفاده از قاعده عرفی، ضرورت توجیه می‌گردد. اما در صورت وجود شرط اقدامات منع نشده در معاهده، تعهد اساسی به حفاظت از سرمایه‌گذار در شرایط خاصی از بین می‌رود؛ در نتیجه زمانی که دولت به منظور نیل به اهداف مذکور در آن ماده، اقداماتی را بر خلاف منافع سرمایه‌گذار انجام دهد اصولاً نقض معاهده‌ای صورت نگرفته که مانند قاعده عرفی ضرورت، متعاقباً نیاز به توجیه داشته باشد.

دوم آنکه شرط اقدامات منع نشده و قاعده عرفی ضرورت، منشأ حقوقی متفاوتی دارند. «ضرورت» بعنوان یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، از رویه میان کشورها و اعتقاد آنها به الزام آور بودن این قاعده نشأت می‌گیرد؛ در صورتی که شرط اقدامات منع نشده، منشأ معاهداتی دارد و یک قاعده حقوقی خاص را بوجود می‌آورد که تنها میان طرفین معاهده لازم‌الاجراست. در واقع ضرورت، یک قاعده حقوقی ثانویه است که پس از نقض یک قاعده اولیه، مسئولیت دولت میزبان سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد اما شرط اقدامات منع نشده از قواعد اولیه حقوقی است که حمایت معاهده دوجانبه از سرمایه‌گذار را در زمانی که دولت باید اقداماتی را برای حفظ منافع اساسی خود انجام دهد، محدود می‌نماید.

1. William Burke-White & Andreas Von Staden, op. cit. at 321.

سوم آنکه در مورد قلمرو اعمال این دو قاعده باید گفت، قاعده عرفی ضرورت بر تمامی کشورها به طور عام قابل اعمال است اما شرط اقدامات منع نشده تنها در میان کشورهای عضو معاهده لازم‌الاجراست و مقررات مندرج در این شرط در معاهدات مختلف متفاوت است.^۱

نکته قابل ذکر آنکه حتی اگر این دو قاعده که متعلق به دو منبع متفاوت از حقوق بین‌الملل هستند، از برخی جهات، شباهت‌هایی هم داشته باشند و کشور مورد نظر به هر دو این قواعد بر اساس حقوق معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی پایبند باشد، اما باز هم این دو قاعده قابل ادغام با یکدیگر نبوده و وجود مستقل و جداگانه خود را حفظ خواهند کرد. به بیان دیگر، وجود و اعمال حقوق بین‌الملل عرفی، فارغ از حقوق معاهدات ادامه خواهد داشت؛ حتی زمانی که این دو منبع محتوای مشابهی داشته باشند. بنابراین زمانی که کشورها شرط اقدامات منع نشده را در معاهدات میان خود می‌گنجانند، یک سازوکار حقوقی معاهده‌محور را ایجاد می‌کنند که در شرایط فوق‌العاده، ریسک را میان کشور میزبان و سرمایه‌گذار تقسیم می‌کند. این سازوکار از قواعدی که در حقوق بین‌الملل عرفی جهت دفاع نمودن از دولت در برابر مسئولیت وجود دارد متمایز بوده و در کنار آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته شایان توجه آن است که اگر دولت میزبان سرمایه‌گذاری نتواند بر اساس وقایع یک پرونده به شرط اقدامات منع نشده استناد نماید، یک تعهد بین‌المللی را نقض کرده است اما همچنان برای رهایی از آن می‌تواند به قاعده عرفی ضرورت استناد نماید.^۲

نتیجه‌گیری

فورس ماژور، یکی از معاذیر رافع وصف متخلفانه و به معنای وقوع یک رویداد غیرقابل احتراز یا غیرقابل پیش‌بینی و خارج از کنترل دولت است که انجام تعهدات را اساساً غیرممکن می‌سازد. این شرایط در هنگام وقوع مخاصمات مسلحانه در کشور میزبان سرمایه‌گذاری غالباً موجود است و بسیاری از دولت‌ها در دعاوی ناشی از مخاصمات مسلحانه به منظور معافیت از مسئولیت در پاسخ به ادعای مطرح شده توسط سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر نقض معاهده سرمایه‌گذاری به فورس ماژور استناد کرده‌اند. نکته مهم

1. William Burke-White & Andreas Von Staden, op. cit. at 21.

2. Ibid.

آنکه دولت میزبان سرمایه‌گذاری نمی‌تواند به صرف دشوارتر یا سنگین‌تر شدن تعهدات خود به فورس ماژور استناد نماید بلکه لازمه استناد به فورس ماژور آن است که عمل به تعهد اساساً امکان‌پذیر نباشد.

ضرورت نیز یکی دیگر از معاذیر رافع وصف متخلفانه در حقوق بین‌الملل عرفی است که می‌تواند در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه توسط دولت میزبان جهت رهایی از مسئولیت حمایت از سرمایه‌گذار خارجی مورد استناد قرار گیرد. ضرورت از فورس ماژور متمایز است زیرا در هنگام ضرورت، دولت به صورت عامدانه و آگاهانه اقداماتی را به منظور مواجهه با وضعیتی که پیش آمده انجام می‌دهد. ضرورت تنها در شرایط استثنایی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد که منافع اساسی دولت مواجه با تهدید جدی و قریب‌الوقوع باشد و تنها راه حفاظت دولت از منافع اساسی خود در آن شرایط، عمل نکردن به تعهدات بین‌المللی باشد که از فوریت یا اهمیت کمتری برخوردار هستند. استناد به ضرورت تنها محدود به مواردی است که اقدام صورت گرفته توسط دولت، تنها راه برای محافظت از منافع اساسی خود باشد، منافع اساسی دیگر را تضعیف نماید و خود دولت میزبان سرمایه‌گذاری نقشی در ایجاد یا تشدید آن نداشته باشد. علاوه بر این، کشور میزبان باید ثابت کند بر اساس اصل تناسب، ضرر و زیان وارد شده به سرمایه‌گذار بر اثر تخریب و توقیف اموال وی، بیشتر از منافع قطعی و مستقیم پیش‌بینی شده از حمله نبوده است. نهایتاً در صورتی که دولت میزبان علیه اموال سرمایه‌گذار مرتکب اقداماتی شود که با ضرورت نظامی قابل توجیه باشد، مسئولیتی متوجه او نخواهد بود.

معاهدات سرمایه‌گذاری نیز غالباً در مورد حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی دارای استثنائاتی هستند که می‌توان آنها را به طور کلی با عنوان «شرط اقدامات منع نشده» دسته‌بندی نمود. این شرط در وضعیت‌های اضطراری با هدف حمایت از منافع اساسی دولت میزبان مانند حفظ یا برقراری مجدد نظم عمومی و امنیت ملی، می‌تواند دولت میزبان را از تعهد به حمایت از سرمایه‌گذار طبق معاهده سرمایه‌گذاری معاف نماید. بعبارت دیگر زمانی که دولت میزبان اقداماتی را با هدف حفاظت از منافع امنیتی اساسی خود انجام دهد می‌تواند به مواد مربوط به اقدامات منع نشده در معاهده استناد کرده و ثابت نماید که تعهدی در قبال سرمایه‌گذار خارجی نداشته و در نتیجه مسئولیتی ندارد. بنابراین اگر دولت میزبان بتواند با موفقیت اثبات نماید که ارتباطی میان نیاز به تخریب

سرمایه‌گذاری یا عدم محافظت از آن با حفاظت از منافع امنیتی اساسی خود وجود داشته است چون تعهدی را طبق معاهده سرمایه‌گذاری نقض نکرده، دارای مسئولیت نیز نخواهد بود. تشخیص آنکه چه زمانی و چگونه می‌توان از مواد مربوط به اقدامات منع نشده استفاده نمود، بر عهده خود دولت است و به صورت موردی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما در صورتی که اثبات شود دولت مرتکب نقض یک تعهد بین‌المللی شده است، تنها راه باقی‌مانده آن است که با توسل به معاذیر رافع مسئولیت موجود در حقوق بین‌الملل عرفی، خود را از مسئولیت معاف نماید. ضرورت و فورس مازور از قواعد ثانویه نشأت گرفته از حقوق بین‌الملل عرفی و قابل اعمال بر تمامی کشورها هستند که پس از وقوع نقض معاهده، آن را توجیه می‌نمایند اما شرط اقدامات منع نشده از قواعد اولیه حقوق بین‌الملل است که منشأ معاهداتی داشته و برخی اقدامات طرفین معاهده را از موارد نقض معاهده مستثنی می‌نماید.

با بررسی الفاظ، محتوا و هدف شرط اقدامات منع نشده و معاذیر عرفی رافع وصف متخلفانه، شکی وجود ندارد که این مقررات در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از مخاصمات مسلحانه نیز قابل استناد هستند. بنابراین می‌توان گفت که قلمرو تعهد دولت میزبان به حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در هنگام وقوع مخاصمات مسلحانه تا جایی است که دولت میزبان نتواند به معاذیر عرفی رافع وصف متخلفانه یا شرط اقدامات منع نشده استناد نماید. البته استناد به این مقررات مستلزم وجود شرایط و رعایت الزامات آن است که بسیار دشوار است و همچنین دولت پیش از آن باید اقدامات مقتضی جهت حفاظت از سرمایه‌گذار را بعمل آورده باشد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Abolghasem Shahbazian



<https://orcid.org/0000-0002-4452-1057>

Sadegh Salimi



<https://orcid.org/0000-0002-2655-7742>

منابع

کتاب‌ها

- دالزر، رودلف و شرورث، کریستف، *اصول حقوق بین‌الملل و سرمایه‌گذاری*، ترجمه سید قاسم زمانی و به‌آذین حسینی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵).
- عسکری، پوریا، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داورى بین‌المللی* (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴).

مقاله‌ها

- رئیسی، لیلا و همکاران، «معاذیر رافع وصف متخلفانه اعمال متخلفانه سازمان‌های بین‌المللی در پرتو طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۸، شماره ۳۰، (۱۳۹۵).
- زمانی، سید قاسم و همکاران، «ضرورت نظامی بعنوان یک استثنا در حقوق درگیری‌های مسلحانه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۳، (۱۳۹۸).
- شیروی، عبدالحسین و پوراسماعیلی، علیرضا، «امنیت ملی در حقوق سرمایه‌گذاری»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۳، (۱۳۹۲).
- مؤمنی‌راد، احمد و قاسم‌زاده، مجید، «بحران اقتصادی جهانی، اقدامات اضطراری دولت‌ها در مواجهه با بحران و راهکارهای حل و فصل اختلافات بین‌المللی سرمایه‌گذاری ناشی از آن»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۱، (۱۳۹۴).
- میرعباسی، سید باقر و سیاوش پور، حمیدرضا، «حمایت دیپلماتیک در چارچوب معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۴، (۱۳۹۸).
- ناصری لاریجانی، نغمه، «تعامل میان حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی در توجیه عدم ایفای تعهدات بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و هفتم، شماره ۴۲، (۱۳۸۹).

References

Books

- Askari, Pouria, *The Law of Foreign Investment in International Arbitration Practice* (Tehran: Shahre Danesh Publications, 2012). (In Persian)
- Crawford, James et al, *Foreign Investment Disputes* (Netherlands: Kluwer Law International, 2005).
- Dolzer, Rudolf & Schreuer, Christoph, *Principles of International Investment Law*, Translated by Ghasem Zamani & Behazin Hasibi (Tehran: Shahre Danesh Publications, 2012). (In Persian)
- Kalshoven, Frits & Zegveld, Liesbeth, *Constraints on the Waging of War* (Geneva: International Committee of the Red Cross, 2011).
- McDougal, Myres & Feliciano, Florentino, *Law and Minimum World Public Order: The Legal Regulation of International Coercion* (USA: Yale University Press, 1961).
- Sornarajah, Muthucumaraswamy, *the International Law on Foreign Investment* (United Kingdom: Cambridge University Press, 2010).
- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD), *Bilateral Investment Treaties 1995–2006: Trends in Investment Rulemaking* (Switzerland: United Nation Publication, 2007).

Articles

- Burke-White, William & Von Staden, Andreas, “Investment Protection in Extraordinary Times: The Interpretation and Application of Non-Precluded Measures Provisions in Bilateral Investment Treaties”, *Virginia Journal of International Law*, Vol. 48, No. 2, (2008).
- Burke-White, William, “The Argentine Financial Crisis: State Liability under BITs and the Legitimacy of the ICSID System”, *Asian Journal of WTO & International Health Law and Policy*, Vol. 3, No. 1, (2008).

- Gourgourinis, Anastasios, “General-Particular International Law and Primary-Secondary Rules: Unitary Terminology of a Fragmented System”, *European Journal of International Law*, Vol. 22, Issue 4, (2011).
- Hayashi, Nobuo, “Requirements of Military Necessity in International Humanitarian Law and International Criminal Law”, *Boston University International Law Journal*, Vol. 28, No.1, (2010).
- Mirabbasi, Seyed Bagher & Siavashpour, Hamidreza, “Diplomatic Protection under International Investment Treaties”, *Public Law Studies Quarterly*, Vol. 49, Issue 4, (2020). (In Persian)
- Momenirad, Ahmad & Ghasemzadeh, Majid, “International Economic Crisis, States Anti-crisis Emergency Measures and the Means of Settlement of International Investment Disputes Arising from the Reform”, *Public Law Quarterly*, Vol. 45, Issue 1, (2015) (In Persian)
- Naseri Larijani, Naghmeh, “Analyzing the Interaction of Law of Treaties with Law of International Responsibility to Justify Non-Performance”, *International Law Review*, Vol. 27, Issue 42, (2010). (In Persian)
- Raeisi, Leila et al., “Circumstances Precluding Wrongfulness of International Organizations Wrongful Acts in the Light of Draft Articles of International Law Commission”, *International Legal Research Journal*, Vol. 8, Issue 30, (2017). (In Persian)
- Sassoli, Marco, “State Responsibility for Violations of International Humanitarian Law”, *Revue Internationale de la Croix-Rouge*, Vol. 84, No. 846, (2002).
- Schreuer, Christoph, “The Protection of Investments in Armed Conflicts”, *Transnational Dispute Management (TDM)* 3, (2012).
- Shiravi, Abdolhossein & Pouresmaeili, Alireza, “National Security in the Law of Foreign Investment”, *Private Law Studies Quarterly*, Vol. 43, Issue 3, (2013). (In Persian)

- Sykes, Alan, “Economic Necessity in International Law”, American Journal of International Law, Volume 109, Issue 2, (2015).
- Vandevelde, Kenneth, “Of Politics and Markets: The Shifting Ideology of the BITs”, International Tax and Business Lawyer, Vol. 11, No. 2, (1993).
- Yannaca-Small, Katia, “Essential Security Interests under International Investment Law, in International Investment Perspectives: Freedom of Investment in a Changing World”, Organisation for Economic Co-operation and Development, (2007).
- Zamani, Seyed Ghasem et.al, “Military Necessity as an Exception in Law of Armed Conflicts”, Public Law Studies Quarterly, Vol. 49, Issue 3, (2019). [In Persian]

Documents

- Brazil-India, Bilateral Investment Treaty, (2020).
- Energy Charter Treaty (ECT), (1994).
- European Union and its Member States-Socialist Republic of Vietnam, Investment Protection Agreement, (2019).
- International Law Commission, Commentary to Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Yearbook of the International Law Commission, vol. 2, (2001).
- International Law Commission, Yearbook of the International Law Commission, Vol. 1, UN Doc A/CN.4/SER.A/1999, (1999).
- Islamic Republic of Iran-Japan, Bilateral Investment Treaty, (2016).
- North American Free Trade Agreement (NAFTA), (1994).
- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD), “Report on Security-Related Terms in International Investment Law and in National Security Strategies”, (2009).

- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD), Negotiating Group on the Multilateral Agreement on Investment, DAFFE/MAI (98)7/REV1, (1998).
- Second Report on State Responsibility by Mr. James Crawford Special Rapporteur, Yearbook of the International Law Commission, Vol. 2(1), UN Doc A/CN.4/498/Add.1-4, (1999).
- United Nations Secretariat, “Force majeure and Fortuitous event as Circumstances Precluding Wrongfulness: Survey of State Practice, International Judicial Decisions and Doctrine”, Yearbook of the International Law Commission, Vol. II, UN Doc A/CN.4/315, (1968).

Cases

- Autopista Concesionada de Venezuela, C.A. v. Bolivarian Republic of Venezuela, ICSID Case No. ARB/00/5, Award, (2003).
- CMS Gas Transmission Company v. The Republic of Argentina, ICSID Case No. ARB/01/8, Award, (2005).
- CMS Gas Transmission Company v. The Republic of Argentina, ICSID Case No. ARB/01/8, Decision of the ad hoc Committee on the Application for Annulment of the Argentine Republic, (2007).
- Continental Casualty Company v. The Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/03/9, Award, (2008).
- Enron Corporation and Ponderosa Assets, L.P. v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/01/3, Award, (2007).
- Gould Marketing, Inc., As Successor to Hoffman Export Corporation v. Ministry of Defence of the Islamic Republic of Iran, Iran–United States Claims Tribunal, Case No. 50, (1983).
- LG & E Energy Corp., LG&E Capital Corp., and LG&E International, Inc. v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/1, Award, (2007).

- LG & E Energy Corp., LG & E Capital Corp., and LG&E International, Inc. v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/1, Decision on Liability, (2006).
- Lighthouses Case between France and Greece, Permanent Court of Justice (PCIJ), Ser. A/B, No. 62, Award, (1934).
- RSM Production Corporation v. Central African Republic, ICSID Case No. ARB/07/2, Award, (2011).
- Sempra Energy International v. The Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/16, Award, (2007).
- Sylvania Technical Systems, Inc. v. the Government of the Islamic Republic of Iran, Iran–United States Claims Tribunal, Case No. 64, (1985).
- Toto Costruzioni Generali S.p.A. v. The Republic of Lebanon, ICSID Case No. ARB/07/12, Award, (2012).